ی‌گوید

ردستانی



انتشارات شهرستان ادب و آقای علی‌محمد مودب و همکاران ایشان در مؤسسه کمک کردند و قبل از چاپ نکات خوبی را بیان کردند. این نکته را هم عرض کنم که من کتاب را به سفارش هیچ‌کسی ننوشتم. این طور نبود که قرارداد بنویسم و وجهی دریافت کنم و کتاب را بنویسم بلکه بعد از اتمام نگارش کتاب دوستانم در شهرستان ادب زحمت چاپ کتاب را به عهده گرفتند.

تلاش شما برای ارائه تصویری شفاف از امام خمینی(ره) چه اندازه موفقیت‌آمیز بود؟

در شروع کار برای خود من هم خیلی مهم و جذاب بود که بتوانم امام را دقیق‌تر بشناسم. برای ما این‌طور جا افتاده بود که گویا ایشان قبل از سال ۱۳۴۱ تنها یک طلبه و مدرس حوزوی بودند که در حوزه فقه، اصول، تفسیر و فلسفه درس می‌دادند اما من اسنادی دیدم که امام در دوره مصدق مردم را به شرکت در انتخابات تشویق می‌کنند و می‌فرمایند که فلان شخص انسان صالحی است، به او رأی بدهید. اینجا مشخص می‌شود که تشویق به شرکت در انتخابات برای دوران پس از استقرار جمهوری اسلامی نبوده است.

یکی دیگر از مسائلی که مهم بود و باید آن را بیان کنم، مسأله دشمنی با اسرائیل است. این‌گونه نیست که اگر انقلاب پیروز نمی‌شد مردم ایران با اسرائیل مشکلی نداشتند؛ موضع‌گیری علیه رژیم غاصب اسرائیل از قبل آغاز نهضت و انقلاب وجود داشته است. مسأله فلسطین و دشمنی با اسرائیل از قبل در ذهن امام وجود داشته است. یا مسأله حساسیت امام نسبت به بیگانگان بسیار جالب بود. در جریان جنگ جهانی اول که ایران توسط قوای روس و انگلیس اشغال می‌شود، امام نوجوان بودند اما در مرور خاطرات، موضع‌گیری امام در این رابطه بیان شده است. این روحیه استکبارستیزی و ظلم‌ستیزی همراه با روحیه وطن‌دوستی امام و علاقه به استقلال وطن از همان نوجوانی با ایشان همراه بوده است. موضع‌گیری‌های امام در دوره پهلوی اول درخصوص سیاست‌های مذهب‌ستیزانه رضاخان مانند ماجرای کشف حجاب، ممنوعیت عزاداری و روضه‌خوانی برای امام حسین(ع) مشاهده شده و اسناد آن در این کتاب آمده است. همچنین در جریان جنگ جهانی دوم که مصادف با اشغال ایران است، امام اولین کتاب خود را با عنوان کشف‌الاسرار به زبان فارسی می‌نویسد و در آن در برابر اشغال ایران توسط بیگانگان و جریان‌های ضد دین و مذهب موضع‌گیری می‌کند.

در خلال نوشتن کتاب چه نکته‌ای از زندگی امام(ره) روایت جدیدی از شخصیت ایشان را برای شما به‌عنوان نویسنده به تصویر کشید؟

در لحظه لحظه نگارش کتاب، یک نکته از زندگی امام(ره) برایم پررنگ‌تر و جذاب‌تر می‌شد و آن بعد عرفانی شخصیت ایشان بود. طبق روایت‌های تاریخی معاصر، ایشان را فقیه، حکیم، فیلسوف، مفسر قرآن و مدرس حوزه شناخته‌ایم. روح‌الله خمینی(ره) شخصیتی سیاسی بودند که مردم را برای سرنگونی حکومت شاهنشاهی همراه خود کردند اما این شخصیت با همه ویژگی‌های سیاسی و علمی‌ای که بیان شد، فردی عارف بودند. این بعد شخصیت ایشان برای من خیلی جالب بود. هرچه جلوتر رفتم دیدم بعد عرفانی مرحوم امام بر سایر ابعاد شخصیتی ایشان سایه می‌اندازد. امام(ره) در جریان مبارزات انقلابی و حتی دوران دفاع‌مقدس به‌شدت تحت تأثیر اندیشه عرفانی خود هستند.

در لحظه لحظه نگارش کتاب، یک نکته از زندگی امام(ره) برایم پررنگ‌تر و جذاب‌تر می‌شد و آن بعد عرفانی شخصیت ایشان بود. طبق روایت‌های تاریخی معاصر، ایشان را فقیه، حکیم، فیلسوف، مفسر قرآن و مدرس حوزه شناخته‌ایم. امام روح‌الله خمینی(ره) شخصیتی سیاسی بودند که مردم را برای سرنگونی حکومت شاهنشاهی همراه خود کردند اما این شخصیت با همه ویژگی‌های سیاسی و علمی‌ای که بیان شد، فردی عارف بودند

در «روح‌الله» چقدر این بعد عرفانی به چشم مخاطب می‌آید؟

تلاش کردم از این بعد غفلت نکنم و در سایه قرار نگیرد. مثلا سال ۵۶ وقتی حاج‌آقا مصطفی از دنیا می‌روند با وجود این‌که فرزند ارشد امام بودند اما ایشان برنامه‌های درسی و فعالیت‌های سیاسی خودشان را تعطیل نمی‌کنند و خللی در روند کارهای مرحوم امام به‌وجود نمی‌آید. این تنها از یک نگاه و منش عارفانه برمی‌آید. امام(ره) درگذشت آقامصطفی را نه به‌عنوان یک مصیبت که از الطاف خفیه الهی می‌دانند. در ماجرای شهادت نخست‌وزیر و رئیس‌جمهور با همین نگاه عارفانه و طمأنینه قلبی کشور را در اوج جنگ و نفاق اداره می‌کنند. به‌نظر من همین شخصیت عارف امام باعث شد کشور در اوج تحریم، جنگ، ترور و مشکلات اداره شود و ایران از یک بحران سخت عبور داده شده و به یک نقطه محکم و بازگشت‌ناپذیر برسد.

با توجه به اهمیت انتشار آثاری با رویکرد مستندنگاری درباره شخصیت‌های تاریخی معاصر که به شکل‌گیری فهم عمومی نسبت به رویدادهای تاریخی و سیاسی می‌انجامد، چه توصیه‌ای برای نویسندگان نسل جدید دارید؟

البته هر نویسنده دغدغه خود را دارد و نمی‌توان نسخه واحدی برای همه پیچید اما نکته‌ای که هست این است که ما در حوزه پرتره‌نگاری و به‌عبارتی تک‌نگاری با ادبیات داستانی و سبک رمان‌نویسی اثر کم داریم. نیاز داریم درباره رجال و شخصیت‌های تاریخ‌ساز بنویسیم. افرادی که تفکر آنان در سرنوشت جامعه مؤثر بوده باید معرفی شوند. سرداران و شخصیت‌هایی که در استقلال و حفظ تمامیت ارضی کشور نقش داشته‌اند باید بیشتر شناخته شوند. متأسفانه در این زمینه برندسازی نمی‌کنیم و این‌گونه است که نسل جوان و نوجوان ما قهرمان خود را از بین فوتبالیست‌های غربی و بازیگران سینما انتخاب می‌کند! باید قهرمانان وطنی را به جوانان معرفی کنیم.

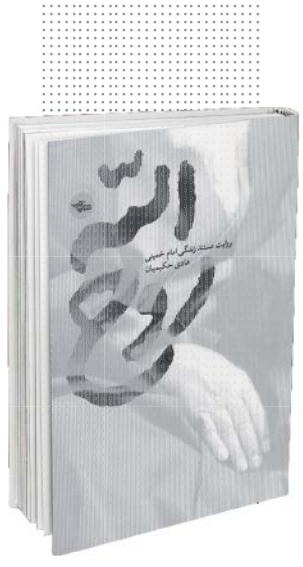

میراث ماندگار

لزوم پیوند ادبیات با تاریخ خمینی کبیر(ره)



فائزه صدر
قفسه کتاب

امـام روح‌الله مـوسـوی خـمـیـنـی(ره) پدیده منحصربه‌فردی در عصر حاضر بود که هر ساحت از زندگی‌اش توجه اندیشمندان را به خود جلب می‌کرد. زیست اجتماعی، سلوک معنوی، حیات علمی و نظری و گفتار این انسان بزرگ در مختصات مکتب خمینی فهم و ادبیاتی در این چارچوب تولید و عرضه شد.

اگرچه تعداد کتاب‌های منتشر شده درباره رهبر فقید جمهوری اسلامی ایران بسیار است اما این آثار عموما از نظر محتوایی به ویژگی‌های برجسته روح‌الله از جمله شخصیت کاریزماتیک، الگوی رهبری سیاسی و مدیریت اجتماعی ایشان پرداخته‌اند و این موارد بیش از دیگر ابعاد شخصیتی آن بزرگمرد مورد توجه قرار گرفته است.

برخی از اهالی قلم نیز درباره گفتمان، رهنمودهای اخلاقی و هشدارهای دردمندانه ایشان نوشته‌اند و از این باب به تألیف اثر پرداخته‌اند. در ترافیک نشر، موضوعاتی چون تحریف سخنان امام خمینی(ره)، رفع شبهات و بررسی ایده‌های ایشان در نسبت با مسائل روز کمتر مورد توجه نویسندگان و پژوهشگران قرار گرفت. درحالی‌که با توجه به هم‌عصر بودن نویسنده و سوژه، می‌شد از ظرفیت ادبیات در تلاقی با تاریخ معاصر بیشتر و بهتر بهره گرفت، از دایره محدود معرفی و بازنشر محتوا خارج شد و باب جدیدی گشود.

اگرچه هنوز هم درباره امام(ره) ناگفته و ناشنیده بسیار است اما شیوه روایتگری معمول با تکرار مکرر آنچه پیش از این نیز گفته شده یا ذکر چندین باره خاطرات، آن محتوایی نیست که به کار خواننده پریشان امروز بیاید. در ادبیات مکتب روح‌الله جای آنچه که فضای روانی ایجاد شده بر اثر تحریفات را تغییر دهد و ذهنیت‌های مسموم را بزداید، سخت خالی است. خواننده امروز، جوان تشنه و کتابخوان انقلابی در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ نیست. اذهان معصوم و مظلوم ما بارها و بارها مورد تعرض و تحریف قرار گرفته و برای پذیرش، مقاوم‌تر از تفکر هواخواه پدران و مادران‌مان است.

نویسنده و پژوهشگر دغدغه‌مند از طریق ادبیات تولید شده به ذهن‌ها دسترسی پیدا می‌کند و آلودگی دروغ و تحریف را پاک می‌کند وگرنه آثاری که به شبهات خوانندگان پاسخ ندهند، ورق نمی‌خورند و در کسب مخاطب اقبالی پیدا نخواهند کرد. پیوند میان میراث معنوی رهبر فقید انقلاب و جامعه امروز زمانی شکل می‌گیرد که فاصله‌های ساختگی از میان برداشته شود. اگر هدف از انتشار اثر درباره رهبر فقید انقلاب صرفا تاریخ‌نگاری باشد، جریان نشر نقطه پایانی نخواهد داشت زیرا تاریخی که امام خمینی(ره) ساخت همچنان ادامه دارد اما این ادبیات باید براساس نیاز زمان خود مورد بهره‌برداری قرار بگیرد. ضروری است هر کتابی درباره شخصیت حضرت امام خمینی (ره) تألیف می‌شود، پله‌ای باشد که خواننده را از گام قبلی بالاتر برد چراکه جریان تحریف را به قله راهی نیست.

شوربختانه این حوزه نیز از کتاب‌سازی و تولید محتوای شعاری دور نمانده. آثار منتشر شده درباره مرحوم امام با نیازمندی امروز انقلاب اسلامی تناسبی ندارد. گویی دوره مهمی از تاریخ ایران و شخصیتی ویژه و بی‌تکرار، سوژه نگارشی عام قرار گرفته و اثر بخشی که به یمن محتوای فاخر شکل می‌گیرد، فدای اغراضی دیگر شده است درحالی‌که عیار سوژه بالاتر از آن است که به پای انتشار یک کتاب سفارشی صرف شود!